

Teaching the Concepts of Surah al-Fil by the Exploratory Education Method of Storytelling

Bibi Zeinab Hosseini¹, Abolfazl Alishahi Ghale Jooghi²

¹ Department of Theology, Farhangian University, Tehran, Iran. z.hosseini@cfu.ac.ir

² Department of Theology, Farhangian University, Tehran, Iran. a.alishahi@cfu.ac.ir

Abstract

One of the efficient and new educational methods is the explorative education method. The *Noble Qur'an* has paid attention to this method in its way of expression and has taught the concepts and contents to the learners or students by using words in various frameworks and types of explorative education. One of these methods is storytelling and, in this regard, the purpose of the present research is to review educational methods of teaching the concepts in Surah al-Fil by the exploratory method of storytelling. In Surah al-Fil, the important and historical account of the attack of Abraheh to Mecca has been narrated through a short story in which two hapax legomena of "Ashāb al-Fil" and "Abābil" have been used. This usage raises a question for students that why God has used these terms for the first time. Searching and attempt to explore the reason of this application leads students to the important necessity of adopting a smart strategy in facing with problems. It is a significant achievement that perhaps has not been dealt with in the previous exegeses; however, the explorative education method by raising purposive questions, can help the students to reach that.

Keywords: Explorative Education, Students, Storytelling, Surah al-Fil, *Noble Qur'an*, Education Methods.

Received: 2023/10/03; Revised: 2023/12/08; Accepted: 2023/12/26; Published online: 2024/03/21

<https://doi.org/10.22034/RIET.2024.15601.1228>

Publisher: Farhangian University

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Article type: Research Article



آموزش مفاهیم سوره فیل با روش آموزش اکتشافی قصه‌گویی

بی‌بی زینب حسینی^۱، ابوالفضل علیشاهی قلعه‌جوقی^۲

^۱ گروه الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. z.hosseini@cfu.ac.ir

^۲ گروه الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. a.alishahi@cfu.ac.ir

چکیده

یکی از روش‌های کارآمد و نوین آموزشی، روش آموزش اکتشافی است. قرآن کریم، در نوع بیان خود به این روش توجه داشته و با نوع کاربرد واژگان، در قالب‌ها و انواع مختلفی از آموزش اکتشافی، اقدام به آموزش مفاهیم و معارف به متعلم و یا همان دانش‌آموز کرده است. یکی از این روش‌ها، روش قصه‌گویی است. در این راستا، هدف پژوهش حاضر بررسی آموزش مفاهیم سوره فیل با روش آموزش اکتشافی قصه‌گویی است. در سوره فیل، موضوع تاریخی مهم حمله ابرهه به مکه، در قالب داستانی کوتاه بیان شده، و از دو واژه تک‌آمد «اصحاب الفیل» و «ابابیل» استفاده شده است که برای دانش‌آموز، این پرسش را ایجاد می‌کند، چرا خداوند برای نخستین بار از این واژگان استفاده کرده است؟ جستجو و تلاش در کشف علت این کاربرد، دانش‌آموز را به مفهوم مهم لزوم اتخاذ استراتژی هوشمندانه در مواجهه با مشکلات، رهنمون می‌گردد. دستاورد مهمی که شاید در تفاسیر بدان پرداخته نشده، ولی روش آموزش اکتشافی می‌تواند با طرح پرسش‌های هدفمند، دانش‌آموز را به آن برساند.

کلیدواژه‌ها: آموزش اکتشافی، دانش‌آموزان، قصه‌گویی، سوره فیل، قرآن کریم، روش‌های آموزش.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۱/۰۲
استناد به این مقاله: حسینی، بی‌بی زینب؛ علیشاهی قلعه‌جوقی، ابوالفضل (۱۴۰۳). آموزش مفاهیم سوره فیل با روش آموزش اکتشافی قصه‌گویی.

پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۵(۱)، ص ۲۹-۴۶. <https://doi.org/10.22034/RIET.2024.15601.1228>

۱. مقدمه

قرآن کریم، هدایت انسان‌ها را به استوارترین راه‌ها، ضمانت کرده (اسراء، ۹) و خوانندگان خود را دعوت به تدبّر و تعقل نموده است. بدین سبب، بسیاری از قرآن‌پژوهان و مفسران بر این نکته اتفاق نظر دارند، که قرآن کریم را می‌توان با اتکاء به الفاظ و عباراتش فهمید و تفسیر نمود. اگرچه در برخی موضوعات، نیاز به تفسیر و تبیین معصوم(ع) وجود دارد، ولی جواز فهم و تفسیر قرآن براساس ظواهر الفاظ و سیاق واژگان و عبارات، از جمله اصول مورد اتفاق قرآن‌پژوهان و مفسران است. قرآن کریم اقیانوسی از معارف دقیق و نکات باریک‌تر از مو است؛ پس بدیهی به نظر می‌رسد که همه این نکات را هیچ مفسری نتواند تبیین نماید. فراتر از آن، تثبیت و به مرحله عمل درآمدن این معارف، نیازمند استفاده از روش آموزشی کارآمد است و از سوی دیگر، برای یادگیری معارف قرآن کریم، باید با روش‌های آموزشی و اجرای صحیح آن آگاه شد. در این راستا، هدف پژوهش حاضر بررسی حرکت در مسیر آموزش اکتشافی قصه‌گویی در سوره فیل بوده و اینکه چگونه می‌توان، به معارف هدایت‌گر قرآن کریم در این سوره دست یافت؟ برای تبیین این مسئله پاسخ‌گویی به چند پرسش ضروری است؟

نخست: روش آموزش اکتشافی چگونه روشی است و چه اهمیتی در بین سایر روش‌های آموزشی دارد؟

دوم: قصه چه جایگاهی در فرایند آموزش اکتشافی دارد و عناصر داستان سوره فیل را چگونه می‌توان

تبیین نمود؟

سوم: واژگان معنا ساز در این سوره، چه واژگانی هستند و این واژگان چه تأثیری بر فهم هدایتی این

سوره دارند؟

۲. پیشینه پژوهش

در تحقیقات محدودی که اصطلاح رویکرد اکتشافی در تفسیر قرآن کریم را به کار برده‌اند، نویسندگان، غالباً به مرحله جمع و تحلیل مستندات در تفسیر موضوعی نظر داشته‌اند؛ مانند: «مرحله اکتشافی انبیاء در نظریه پردازی قرآن»، از کریمی‌نیا (۱۳۹۳)؛ ولی تنها در مقاله «بررسی قصه‌گویی به عنوان روش فعال در آموزش اخلاق»، نویسنده به مسئله شیوه‌های کیفیت ورود به قصه، شیوه‌های ایجاز، انواع گفتگو، روش غیرخطی در بیان قصه، تشویق به تفکر و تعقل، پرسش و پاسخ و نقش این راهبردها در آموزش مفاهیم اخلاقی به مثابه روش آموزش فعال توجه کرده است (خادمی و همکاران، ۱۳۹۴؛ عزیزاده و همکاران، ۱۳۹۴). پژوهش دیگری که به روش آموزش اکتشافی در تعالیم انبیاء توجه کرده، مقاله «گستره روش اکتشافی انبیاء برای انتقال مفاهیم دینی» (یوسفی تازه کندی و همکاران، ۱۳۹۷) است؛ لیکن تاکنون پژوهشی با این رویکرد که قرآن کریم، با نوع کاربرد واژگان و تعبیر، عبارات، سیاق و... مفاهیم را تعلیم

می‌دهد و اینکه بیان قرآن در غالب سور و در سوره فیل، ماهیت آموزش اکتشافی دارد و عبارات و واژگان در پی ایجاد پرسش در ذهن خواننده، کشف معنا و معرفت هدایتی هستند، انجام نشده است.

۳. روش آموزش اکتشافی

روش آموزشی مسیر خاصی است که برای جهت‌دهی به سبک اندیشیدن، موضع‌گیری‌ها، حل مشکلات فکری دانش‌آموز در طریق رسیدن به اهداف آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرد (صباح، ۲۰۱۲، ص ۲۹). روش آموزش اکتشافی، یک روش دانش‌آموزمحور و استقرائی است که در آن مسئولیت آموزش بر عهده دانش‌آموز قرار می‌گیرد (صباح، ۲۰۱۲، ص ۶۸). هدف از مشارکت یا افزون ساختن سهم، در این فرایند آموزشی، سازگار کردن آموزه‌ها با نیازهای دانش‌آموز و افزایش نهادینه شدن فهم و دانش وی است (نجفی‌زاده، ۱۴۰۱، ص ۱۸). در روش‌های سنتی معلم‌محور، بین ادراک و علم دانش‌آموز فاصله وجود دارد؛ یعنی دو وجود متفاوت هستند. در این روش اطلاعات همانند بسته‌ای از معلم به دانش‌آموز منتقل می‌شود که با گذشت زمان ممکن است، فراموش شود. ولی در روش اکتشافی، بین دانش‌آموز و علم، فاصله‌ای وجود ندارد؛ زیرا دانش در تجربه دانش‌آموز قرار گرفته و جزئی جدایی‌ناپذیر از وجود وی شده است (نجفی‌زاده، ۱۴۰۱، ص ۱۸). البته روش‌های معلم‌محور، با توجه به اهداف آموزشی همچنان سودمند و ضروری است؛ به‌طور مثال در موضوعات و رویه‌های قانونی یا مهارت‌ها، قوانین بازی، فعالیت ورزشی و برنامه‌های ایمنی (وست‌ودد، ۱۳۹۶، ص ۴۱).

رویکرد اکتشافی به آموزشی گفته می‌شود که از طریق آن، یادگیرندگان تشویق می‌شوند تا با محیط خود به تعامل بپردازند، یعنی در آن به کاوشگری بپردازند و با دستکاری اشیاء و دست و پنجه نرم کردن با سؤالات یا با انجام آزمایشات، به فهم یک موضوع برسند (نجفی‌زاده، ۱۴۰۱، ص ۱۷). یادگیری اکتشافی یک رویکرد مبتنی بر جستار است که در آن سؤالی برای پاسخ‌گویی، مسئله‌هایی برای حل کردن یا مجموعه‌ای از مشاهدات برای تبیین کردن، به دانش‌آموزان داده می‌شود و سپس شاگردان با روشی خودراهبر، کارهای محوله را انجام می‌دهند و به «کشف»، دانش‌های حقیقی و مفهومی در این فرایند می‌پردازند (کار و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵). پرسش‌هایی که در روش آموزش اکتشافی مطرح می‌شود، شامل پرسش‌های مبتنی بر حقائق،^۱ هستی و اطلاعات، مانند چه کسی؟ چه چیزی؟ چه زمانی؟ چه مکانی؟...؛ پرسش‌های پردازشی،^۲ یعنی پرسش‌هایی درباره تحلیل، مقایسه و ارزیابی؛ مثل چه ارتباطی؟ چه تأثیری؟ چه دلیلی؟ و

1. Factual Question

2. Processing Question

پرسش‌های متخیلانه،^۱ یعنی اندیشیدن خارج از چهارچوب‌ها، مانند چه می‌شد اگر ...؟ چگونه می‌توان ...؟ می‌شود (همان، ص ۲۶).

دانشمندان بر این باورند که وقتی دانش‌آموزان، بتوانند مفید بودن آنچه را فرا می‌گیرند، درک کنند، انگیزه بیشتری برای یادگیری دارند (همان، ص ۱۴۲). روان‌شناسان بر این باورند، که در آموزش اکتشافی، دانش‌آموز، اعتماد به نفس پیدا می‌کند (صباح، ۲۰۱۲، ص ۱۰۷) و به رشد منطقی و عقلانی دست می‌یابد. به عبارت بهتر، اکتشاف بهترین پاداش برای دانش‌آموز است (فضلی‌خانی، ۱۳۹۵، ص ۹۴)؛ زیرا این نوع یادگیری، محکم، پایدار، قابل استفاده و مفید خواهد بود (فضلی‌خانی، ۱۳۹۵، ص ۲۸).

هدف این رویکرد برخلاف رویکرد معلم‌محور، انتقال پاسخ‌های مشخص و از پیش تعیین شده نیست؛ بلکه آموزش و تربیت جامعه‌ای است که بتواند مواجهه پرسش‌گرانه با جهان داشته باشند. در این روش، دانستن و داشتن اطلاعات بیشتر هدف نیست (فضلی‌خانی، ۱۳۹۵، ص ۹۰) و نقش معلم، هدایت‌کننده و تسهیل‌کننده است (پیترسن، ۱۳۸۱، ص ۲۴). در این روش، هدف، آموزش جامعه‌ای است که می‌پرسد؛ زیرا توانایی خلق پرسش‌های خردمندانه مهم‌ترین ویژگی انسان بودن است. روش اکتشافی روش آموزشی هم‌گام و همسو با عالم هستی و طبیعت بشر است. هستی و پرسش‌گری دارای پیوند عمیقی است. هم از این جهت که پرسشگری، آشکارکننده معنای هستی است و هم از آن جهت که ویژگی خاص هستنده‌ای است که از معنای هستی می‌پرسد. پرسشگری، ویژگی خاص هستی ما است و به اراده و انتخاب ما بستگی ندارد، بلکه ما با آن زاده شده‌ایم و تفکر و تعقل، تابع این نیروی ناشناخته است. هر پرسش صحیح، مستلزم دسترسی به دانش و فهم است و پرسش حقیقی، با داشتن پاسخ‌های از پیش تعیین شده در ذهن، مغایر است؛ زیرا مانع پرسیدن و تفکر می‌گردد (ابراهیمی، ۱۳۹۹، ص ۵۲). درحقیقت، اصول روش آموزش اکتشافی، تفکر انتقادی، فعالیت مستمر دانش‌آموز و تغییر رفتار دانش‌آموز است (ابراهیمی، ۱۳۹۹، ص ۹۳).

۴. استفاده از روش آموزش اکتشافی قصه‌گویی در قرآن کریم

روش‌های آموزش اکتشافی، بسیار متنوع است، یکی از این روش‌ها، روش قصه‌گویی است. قصه‌گویی شیوه مهم و مؤثری است که راه و رسم ویژه‌ای دارد و مهم‌ترین راه ارائه برخی مفاهیم و انتقال آن به دانش‌آموزان است (خادمی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵۵-۷۶). دانش‌آموز با شنیدن قصه، به گوش دادن و

خواندن آن علاقه‌مند می‌گردد؛ در این بین، قدرت تخیل نیز به وی کمک می‌کند که با شخصیت قصه همزاد پنداری نماید. خداوند متعال نیز، برای آموزش بسیاری از مفاهیم در قرآن کریم، از روش آموزش اکتشافی مبتنی بر قصه‌گویی بهره برده است (پورامیرزادری و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۷۸-۱۹۱).

۴-۱. مراحل آموزش اکتشافی مبتنی بر قصه

خداوند در قرآن کریم، در بسیاری آیات به گونه‌ای سخن گفته که خود نقش معلم را ایفا کرده و به این موضوع تصریح کرده است: «ما قرآن را برای یادآوری آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکر شود؟» (قمر، ۴۰)^۱. این آیه دلالت بر نقش دانش‌آموز در فرایند تذکر و هدایت و ارتباط مستقیم معلم و دانش‌آموز در قرآن دارد. چون در این عبارت قرآن، خداوند از وجود نوعی آموزش، در عبارات و نصّ قرآن، سخن می‌گوید که نیاز به مؤلفه دیگری ندارد؛ یعنی تنها خود قرآن و خواننده آن برای ایجاد تذکر و هدایت کافی است. مراحل آموزش اکتشافی به صورت طبیعی در روش قصه‌گویی شامل این موارد است: مرحله اول: تدوین اهداف؛ مرحله دوم: انتخاب نوع قصه؛ مرحله سوم: ساخت قصه؛ مرحله چهارم: اجرای روش؛ مرحله پنجم: نتیجه‌گیری.

۴-۲. مراحل آموزش اکتشافی مبتنی بر قصه در قرآن کریم

خداوند خود را در قرآن کریم خود را بهترین قصه‌گو معرفی کرده است (یوسف، ۳) و برای طرح هر داستانی در قرآن، اهدافی، نوع خاص و ساخت قصه را در نظر داشته است. در غالب موارد، قرآن کریم به این اهداف آموزشی اشاره نمی‌کند؛ بلکه یافتن و ادراک هدف قصه را به دانش‌آموز واگذار می‌کند. باید توجه داشت قصص قرآن، همه قصه‌های واقع‌گرا هستند (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۴۰، ص ۵۱-۵۵). بنابراین، در قرآن قصه ساخته نمی‌شود، بلکه شیوه نقل آن، ساخته می‌شود. همچنین قرآن، فرایند تدوین اهداف، انتخاب نوع قصه و ساخت قصه را بیان نمی‌کند و دانش‌آموز تنها شاهد اجرای قصه است. قرآن به عنوان بستر ساز آموزش اکتشافی، از قصه‌های متنوعی بهره برده است که در اینجا به یکی از این قصه‌ها و فرایندی که دانش‌آموز، برای دستیابی به هدف داستان، طی می‌کند، پرداخته می‌شود.

در ادامه برای استفاده از روش آموزش اکتشافی، در فرایند آموزش محتوای یکی از سوره کوتاه قرآن، لازم است، اجزای این داستان شناسایی شود. سوره فیل، یک داستان کوتاه به‌شمار می‌آید. داستان کوتاه^۲

۱. «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ».

روایتی منثور است که یک دیدگاه و احساس انسانی را به تصویر می‌کشد. داستان کوتاه، هم مانند داستان‌های بلند، رمان، دارای طرح، آغاز، وسط و پایان هستند. در داستان کوتاه تعداد شخصیت‌ها محدود است و فضای کافی برای تجزیه و تحلیل مفصل و پرداختن به امور جزئی وجود ندارد. با این حال، داستان کوتاه طرح منظم و مشخصی دارد؛ دارای یک شخصی اصلی و ساختاری کلی است، که همه اجزاء با هم در ارتباط بوده و تأثیر واحدی را القاء می‌کنند و مهم‌تر از همه کوتاه است (قندیل، ۲۰۰۸، ص ۳۵). داستان کوتاه بیشترین تأثیر را در رساندن معنا دارد، و در بسیاری موارد حتی برای حکمت، شعر، ضرب‌المثل و دانش، از داستان کوتاه بهره برده می‌شود (ابوهیف، ۱۹۹۳، ص ۱۴).

۴-۲-۱. مرحله اول: تعریف داستان

در این مرحله با زبان شیرین باید داستان سوره فیل را برای دانش‌آموزان تعریف کرد؛ مثلاً از این بیان تفسیری در داستان می‌توان استفاده کرد؛ این سوره چنان که از نامش پیداست اشاره به داستان تاریخی معروفی می‌کند که در سال تولد پیغمبر اکرم (ص) اتفاق افتاده است و خداوند، خانه کعبه را از شر لشکر عظیم کفاری که از سرزمین یمن سوار بر فیل برای تخریب آن آمده بودند، حفظ می‌کند. این سوره یادآور آن داستان عجیب است که بسیاری از مردم مکه آن را به خاطر داشتند؛ زیرا در گذشته نزدیکی واقع شده بود. یادآوری این داستان هشدار می‌دهد که کفار مغرور و لجوج است که بدانند، در برابر قدرت خدا کم‌ترین قدرتی ندارند؛ زیرا خداوندی که لشکر عظیم فیل را با آن پرندگان کوچک و آن سنگریزه‌های نیم‌بند (حجارة من سجیل) درهم کوبید، قدرت دارد که این مستکبران لجوج را نیز معجزات کند؛ نه قدرت آنها عظیم‌تر از قدرت ابرهه است و نه لشکر و نفرات آنها هرگز به آن حد می‌رسد. درحقیقت خداوند به مردم مکه در حال هشدار است، که شما این ماجرا را با که چشم خود دیدید، چرا از مرکب غرور پائین نمی‌آیید؟! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۷، ص ۳۲۶).

به نام خداوند بخشنده مهربان.

یکی بود یکی نبود، غیر از خدا هیچ‌کس نبود.

روزی روزگاری، حاکمی در یمن بود که برای خشنودی حاکم حبشه، معبدی در شهر صنعا بنا کرد. ولی دید، مردم به معبد وی توجهی ندارند. او گمان کرد، با نابودی کعبه مردم از کنیسه او، استقبال خواهند کرد. ابرهه با سپاهی به قصد حمله به مکه نزدیک شد، فردی از سپاه ابرهه، فردی به نام اسود بن مقصود از پیش خود فرستاد. او ۲۰۰ شتر از شتران عبدالمطلب - پدربزرگ پیامبر اکرم (ص) - را که مشغول چرا بودند، غارت کرد و به لشکر ابرهه آورد. ابرهه آنگاه فرستاده‌ای به نزد رئیس مکه که عبدالمطلب بود فرستاد و گفت: «به او بگو من برای قتال با شما اینجا نیامده‌ام، مقصودم فقط خراب کردن کعبه است. اگر مرا از

این کار بازنداری، با تو کاری ندارم و چنانچه ممانعت نمائی با تو جنگ خواهم کرد». عبدالمطلب در جواب فرستاده ابرهه گفت من خودم نزد ابرهه می‌آیم. آن بزرگوار با جماعتی از فرزندان و بنی‌هاشم به نزد ابرهه رفتند.

یکی از افراد سپاه به ابرهه گفت: «ای پادشاه! بدان که عبدالمطلب، سید قریش است و در میان تمام اعراب، بزرگوارتر از او نیست. او کسی است که مردمان را طعام می‌دهد و بزرگواری او در تمام عرب مشهور است. حرمت او را نیکو بدار و سخنش را نیکو بشنو و تا ممکن است، رضای او را بجو که سرفراز عرب است». عبدالمطلب وارد شد و به نزد ابرهه آمد. عبدالمطلب مردی با قامت بلند، صورت زیبا و زبان فصیح بود. ابرهه هنگامی که ابهت آن بزرگوار را دید، در نظرش بسیار بزرگ جلوه کرد. بنابراین، فوراً از تخت خود به زمین فرود آمد تا او را گرمی بدارد و در همین حال گفت: «برای چه کار تشریف آورده‌اید؟» عبدالمطلب، فرمود: «بستگان شما شتران مرا ربوده‌اند، بگوئید تا آنها را پس دهند». ابرهه گفت: «وا عجب! من چون این مرد را دیدم گمان کردم شخص عاقلی است. من با این همه لشگر عظیم آمده‌ام تا خانه ایشان که شرف و مفخر عرب در آن است ویران کنم او هیچ همتی، بجز برای شتران خود ندارد. او از چشم من افتاد». مترجم سخنان ابرهه را به عبدالمطلب گفت. عبدالمطلب جواب داد: «این شتران به من تعلق دارد و از برای خانه کعبه خدائی است، اگر بخواهد از آن نگاهداری می‌کند». ابرهه دستور داد شتران را به او باز دهند. عبدالمطلب شتران را گرفت و در کوه حرا به چرا فرستاد و به مکه بازگشت. عبدالمطلب به قریش گفت شما در اطراف این کوه‌ها پراکنده شوید تا از لشگر ابرهه محفوظ بمانید و خود آن بزرگوار وارد خانه کعبه شد و حلقه در را به دست گرفت و با تضرع و زاری عرض کرد: «پروردگارا، تو خود شر ابرهه را دفع کن». ابرهه با لشگرش وارد مکه شد. در جلوی لشگر دوازده فیل بود و در میان آنها فیل بسیار عظیم و با هیبت به اسم محمود بود، که پادشاه حبشه آن را فرستاده بود و پیش روی فیل‌ها حرکت می‌کرد. هر کجا آن می‌رفت فیل‌های دیگر پشت سر او حرکت می‌کردند. هنگامی که فیل‌ها را آماده نمودند، خداوند از طرف دریا پرندگان فرستاد که هر یک از آنها، سه سنگ کوچک داشتند. یک عدد در منقار و دو عدد در چنگال، به اندازه نخود. سپس در بالای سر هر مرد از سپاه ابرهه، یکی از آن پرندگان ایستاد و سنگی بر سر او افکند. برخی از آنها هلاک شدند، برخی از لشگریان فرار می‌کردند و پرندگان دنبال ایشان می‌رفتند و سنگ‌ها را به ایشان می‌زدند و می‌کشتند، تا آنجا که، سپاه همچون علف جویده‌ای شد. عبدالمطلب، پیش از وقوع واقعه، فرزند خود، عبدالله را فرستاده بود تا خبر بیاورد. آن بزرگوار از کوه ابوقیس بالا رفت و از آنجا مشاهده کرد که پرندگان بسیاری آمدند، دور خانه کعبه طواف کردند؛ آنگاه هر یک بالای سر یکی از لشگریان ابرهه قرار گرفتند و سنگ‌هایی که در منقار داشتند را فرو ریختند و آنها را هلاک کردند. عبدالله به

پدرش این خبر را رساند؛ عبدالمطلب به او گفت، اهل مکه را ندا کن، بیایند غنایم جمع کنند. دانش‌آموزان عزیز! حضرت صادق (ع) در این باره فرمود: «از آن لشکر فقط یک نفر باقی ماند که فرار کرد و داستان اصحاب خود را برای مردم مکه بیان کرد، در همین حال یکی از پرندگان آمد. آن مرد، با دست اشاره کرد این پرنده از جنس آنهاست، هنوز سخنش تمام نشده بود که مردم مشاهده کردند، پرنده بالای سر او قرار گرفت و سنگ خود را بر سر آن مرد فرو افکند و او نیز به هلاکت رسید» (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۵۰۰).

۲-۲-۴. مرحله دوم: شناسایی عناصر داستان فیل

در این مرحله باید عناصر داستانی برای دانش‌آموز تبیین شود.

عناصر داستانی اصحاب فیل: خداوند در این سوره کوتاه، به بخشی از یک داستان اشاره می‌کند که برای مسلمانان شناخته شده است. خداوند در این سوره به بخشی از این داستان که به کیفیت چگونگی مواجهه جنود الهی با سپاه ابرهه ارتباط دارد، اشاره می‌کند: «به نام خداوند بخشنده مهربان. آیا ندیدی پروردگارت با فیل سواران [لشکر ابرهه که برای نابودی کعبه آمده بودند] چه کرد؟! آیا نقشه آنها را در ضلالت و تباهی قرار نداد؟! و بر سر آنها پرندگانی را گروه گروه فرستاد، که با سنگ‌های کوچکی آنان را هدف قرار می‌دادند؛ سرانجام آنها را همچون کاه خورده شده (و متلاشی) قرار داد!».^۱

ابتدا لازم است عناصر داستان کوتاه در این سوره تبیین گردد.

۱) طرح داستان: در اصطلاح به چگونگی آرایش و چینی‌گفته می‌شود که نویسنده برای داستان در نظر می‌گیرد، تا به نتیجه دلخواه دست یابد (ایرانی، ۱۳۶۴، ص ۲۴۶). در این داستان کوتاه و روایت، تنها بخشی از ماجرا که مربوط به صحنه جنگ می‌باشد، طرح شده است. بنابراین، دانش‌آموز لازم است، بخش طرح شده را شناسایی کند و بداند با صحنه‌ای از یک داستان مواجه است که دارای شروع و پایان کامل تری نیز هست.

۲) شخصیت‌پردازی: عنصر شخصیت‌پردازی مهم‌ترین عنصر از داستان کوتاه به‌شمار می‌آید. حیات و پویایی یک داستان به شخصیت‌هایش بستگی دارد؛ زیرا اگر شخصیتی نباشد، داستانی هم در کار نخواهد بود (شولز، ۱۹۹۸، ص ۱۳). بنابراین، عامل شخصیت، محوری است که تمامیت قصه بر مدار آن روی

۱. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ. أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ. وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ. تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ. فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ» (فیل، ۱-۵)

می‌دهد (شریبط، ۱۹۹۸، ص ۲۴)؛ کلیه عوامل دیگر، کمال معنا و علت وجودی خود را از عامل شخصیت کسب می‌کنند (براهنی، ۱۳۶۸، ص ۲۴۳). به دیگر سخن، شخصیت اصلی داستان، محور اصلی و قطب داستان است، که عناصر دیگر جذب آن می‌شوند (شریبط، ۱۹۹۸، ص ۲۴). در این داستان کوتاه، سه شخصیت اصلی وجود دارد: «رب»، «اصحاب الفیل» و «طیر آبابیل».

۳) صحنه‌پردازی: صحنه به محیطی اطلاق می‌شود که حوادث داستان در آن روی می‌دهد. این محیط شامل مکان و زمان می‌شود. صحنه‌ای که با توجه به بوم عربستان، در ذهن متصور می‌شود، بیابانی است که سپاه فیل در آن، در حال حمله به شهر مکه هستند. این سوره، تصویری واضح، به ذهن خواننده منتقل می‌کند.

۴) زاویه دید: یکی از عناصر دیگر داستان است که به مخاطب نشان می‌دهد، چه کسی و چگونه داستان را برای خواننده نقل می‌کند. به عبارت دیگر، زاویه دید نمایش دهنده شیوه‌ای است که نویسنده به وسیله آن، مطالب داستان خود را به خواننده ارائه می‌دهد (لارنس، ۱۳۶۳، ص ۸۷). زاویه دید به دو قسم بیرونی و درونی تقسیم می‌شود. زاویه دید، در این قصه، زاویه بیرونی است، اگرچه یکی از شخصیت‌های اصلی داستان را نقل می‌کند، ولی پس از اتمام ماجرا، از زاویه بیرونی، این داستان نقل می‌شود.

۵) گفتگو: عنصر گفتگو یکی از مهم‌ترین عناصر داستانی است که شناخت درست و بهره‌گیری مناسب از آن می‌تواند، نویسنده را در پیشبرد عمل داستانی بدون دخالت مستقیم، یاری نماید و در کنار پرداخت دیگر عناصر داستانی، به اثر تحرک و نیرو بخشد. گفتگو را در لغت به معنای مکالمه و در اصطلاح، صحبت میان شخصیت‌های داستان تعریف کرده‌اند (داد، ۱۳۷۸، ص ۱۲۱؛ میرصادقی، ۱۳۶۴، ص ۱۱۳). گفتگو، در این داستان، بین خداوند و پیامبر اکرم (ص) و مخاطب مسلمان صورت می‌گیرد. انگار گوینده به این ماجرا و داستان پرداخته است تا در جریان گفتگو با مخاطب، به هدفی نائل آید.

۶) درون‌مایه: درون‌مایه یک داستان همان فکر، معنای اصلی یا روح حاکم بر داستان است، که جهت‌گیری فکری نویسنده را روشن می‌کند و به منزله خطی است، که خالق داستان، تمام عناصر داستان را به یکدیگر پیوند می‌دهد. برای کشف این درون‌مایه اصلی لازم است، به این سؤال پاسخ داده شود که خط داستان به دنبال بیان چه مفهومی است (لارنس، ۱۳۶۳، ص ۵۷). هدف و معنای اصلی در این داستان، نصرت الهی و یآوری خداوند برای مؤمنان است؛ لیکن، نوع عبارات نشان می‌دهد، هدف مهم‌تر دیگری هم وجود دارد که در فرایند آموزش اکتشافی بدان پرداخته می‌شود.

۴-۲-۳. مرحله سوم: طرح پرسش

پرسش‌های متنوعی از این داستان و علت نوع بیان قرآن کریم می‌توان پرسید. که به برخی از آن‌ها در این بخش اشاره می‌شود.

شروع داستان: چرا خداوند این سوره را با پرسش، آغاز کرده است؟ راوی با این بیان خواننده را به دنبال خود می‌کشد. شروع قصه، با استفهام، سبب ایجاد کنجکاوی در شنونده آغاز می‌شود، به شکلی که سراپا آماده شنیدن و فهم معانی سوره باشد (سید قطب، ۱۳۶۰، ص ۸۵).

ایجاز: چرا از بین همه اجزای داستان، حمله ابرهه، به مکه، تنها با این الفاظ کوتاه، یاد شده است. قرآن کریم، در داستان‌ها، بسیار موجز سخن می‌گوید که در داستان نکته کلیدی به‌شمار می‌آید. بنابراین، توجه دانش‌آموز باید معطوف به واژگان به‌کار رفته باشد (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۷). در واقع، قرآن کریم در سوره فیل، از ابزار سفیدخوانی و ایجاد فاصله بین مقاطع داستان، برای ایجاد قدرت تخیل و فعال شدن ذهن بهره برده است (پروینی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۱).

عدم توجه به روش خطی: قرآن کریم در قصص خود به شیوه خطی توجهی ندارد، که از روش‌های مدرن و از بهترین روش‌های قصه‌گویی است. هدف قرآن از این سبک قصه‌گویی، اسطوره‌زدایی است (حسینی، ۱۳۸۵، ص ۵۶). اگر قرآن کریم، سوره فیل را در شیوه غیرخطی بیان کرده است، چه هدفی را دنبال کرده است؟ باید به این پرسش توسط دانش‌آموزان پاسخ داده شود، که ذهن دانش‌آموزان در تحلیل، هم به روش ساختاری و هم به روش محتوایی فعالیت نماید.

تشویق به تفکر و تعقل: دانش‌آموز، در بستر و فرایند آموزش اکتشافی که قرآن آن را در سوره فیل فراهم آورده است، قرار گیرد. معلم نیز باید، به تکامل بودن و عدم ترادف در قرآن، در حین فرایند آموزش اکتشافی، توجه دهد؛ یعنی مفهوم دقیق دو واژه «أباییل» و «فیل» و اهمیت معنایی آنها را در این سوره جستجو کند. بنابراین، دانش‌آموز به جستجوی معنای دقیق واژه أباییل و فیل و ساختار آنها در سوره می‌پردازد. دانش‌آموزان برای دستیابی به هدف این سوره به واژگان و فضای ترسیمی توجه کند و تفکر و تعقل نماید (فیل، طیر ابابیل، کید، حجارة، سجیل، عصف ماکول). دانش‌آموز می‌بایست در ذهن خود، سپاه فیلی را ترسیم کند که به مکه حمله کرده‌اند و خداوند با پرندگان متفرق و پراکنده از دیوار دفاعی فیل‌ها عبور می‌کند و ایشان را مانند علف جویده شده قرار می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۷۲۶). بی‌تردید این سوره برای همه مردم در همه زمان‌ها نازل شده است؛ پس متناسب با رشد ذهنی بشر، می‌توان پرسش‌های مختلفی را مطرح کرد. در ادامه به یک مثال از این پرسش‌ها پرداخته می‌شود. دانش‌آموز عزیز! شما در این سوره، دو واژه تکامل، می‌بینید. لطفاً برای یافتن معنای این واژگان به اینترنت رجوع کنید و معانی آنها را پیدا کنید و در گروه‌ها، روی یک برگه یادداشت کنید.

دانش‌آموزان احتمالاً مطالب ذیل را برای واژه أباییل می‌یابند:

أباییل: این واژه از ریشه بلل، به معنای تفرقه و پراکندگی است. أباییل، به معنای گروه زیاد و خیل

عظیمی از پرندگان است که پی‌درپی می‌آیند و می‌روند (زیبیدی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۲۸). همچنین طبق نظر برخی زبان‌شناسان، آبایل، به گروه عظیمی از پرندگان گفته می‌شده که از سمت دریا، به سمت مکه حرکت می‌کردند (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۳۱۳). در بین زبان‌شناسان، دیدگاه‌های مختلفی درباره معنای واژه «آبایل» بیان شده است؛ مانند حشرات ناقل بیماری آبله، پرندگان چند رنگ، پرندگان کوچک، پرندگان بزرگ، عقاب، پرستو، پرندگان دارای خرطوم، پرندگان سیاه دارای چنگال و ... به صورت کلی طرح دیدگاه‌های مختلف، از جانب زبان‌شناسان و مفسران در مفهوم این واژه در قرآن، نشان‌گر اهمیت و نقش مهم این واژه در تعیین مفهوم سوره «فیل» است. در حالی که مفهوم ریشه «آبل» به معنای تفرقه و پراکندگی است و نظر مشهور درباره آبایل، همان متفرق و پراکنده است (بقال، ۱۳۷۰، ص ۱۱۱-۱۲۹؛ قرون، ۱۳۹۲، ص ۹۳۲-۹۴۱؛ صادق، ۱۳۶۳، ص ۳۱۲-۳۱۳؛ کاظمی، بی‌تا، ص ۱۸۷-۱۹۰).

حالا معلم از دانش‌آموزان می‌پرسد، در هنگام جستجو، در فضای اینترنت، چه معانی دیگری برای آبایل دیده‌اند، که ربطی به سوره فیل نداشته است؟ احتمالاً دانش‌آموزان می‌گویند برای موشک‌ها و هواپیماهای جنگی، این نام را دیده‌اند. از دانش‌آموزان بپرسید، به نظرتان چرا این نام روی این موشک‌ها گذاشته شده است؟ شاید دانش‌آموزان بگویند: «چون «آبایل» برای مجاهدان و جنگ‌آوران نمادی از قدرت و پیروزی شده است». معلم با طرح این پرسش‌ها، دانش‌آموزان را به بااهمیت و معنا ساز بودن این واژگان توجه می‌دهد. معلم، برای تسهیل فرایند آموزش اکتشافی، معنای واژه آبایل را برای دانش‌آموزان بیان می‌کند، که به معنای تفرق و پراکندگی است و برای رسیدن به این معنا از واژگان هم‌خانواده مانند بلبل، آبله، ابل و... استفاده می‌کند؛ که دارای معنای مشترک تفرق و پراکندگی است. دانش‌آموزی که قرآن می‌خواند باید از خود بپرسد، چرا از بین صفات مختلف برای پرندگان، صفت آبایل، ذکر شده است؟ چرا از صفت کثیر یا متفرق، یا ذاهبه و جائیه، استفاده نشده است؟ معلم باید در این بخش به او در طرح پرسش‌های هدفمند و خوب که ذهن او را به فعالیت وادار کند، کمک نماید؛ تا به تدریج، ذهن دانش‌آموز با شنیدن آیات بتواند، پرسش‌هایی را طرح کند که به فرایند تولید علم منجر گردد.

فیل: واژه دیگری که در این سوره نقش مهمی دارد، فیل است. این واژه که در حالت ترکیب اضافی به صورت «اصحاب الفیل» به‌کار رفته نیز، یک واژه تک‌آمد و معنا ساز است. منظور از اصحاب فیل، همان سپاهیان ابرهه بوده‌اند. در اینجا باید از دانش‌آموز پرسیده شود؛ چرا خدا از نامه اصحاب ابرهه یا جیش ابرهه استفاده نکرد؟ در حالی که این افراد صحابه ابرهه بوده‌اند، نه فیل؟ حال کافی است در مورد نقش فیل در جنگ‌ها تحقیق مختصری صورت گیرد. روشن می‌شود، دانش‌آموز در جستجوی اولیه در اینترنت، اطلاعات سودمندی از برخی مقالات خواهد یافت؛ به‌طور مثال، در گذشته، از فیل به عنوان سنگر، یا

وسیله دفاعی در جنگ‌های منظم استفاده می‌شده است؛ فیل‌ها را گاهی در جلو و گاهی در پشت سپاه حرکت می‌داده‌اند (آذری، ۱۳۵۰، ص ۱۲۷-۱۴۲).

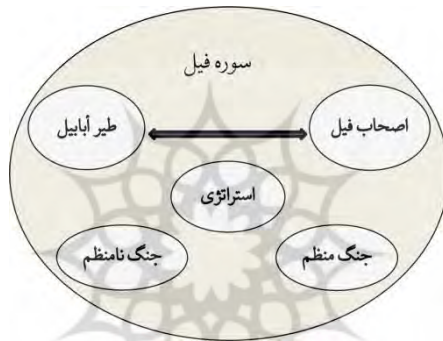
پس خداوند از این گروه با نام «باران فیل»، یاد می‌کند، به آن دلیل است که ایشان به کارآمدی فیل، خیلی اعتماد و باور داشتند و با اتکاء به فیل‌ها به خود اجازه و جرأت جنگ در بیرون مرزهای کشور خویش را داده‌اند. حالا دلیل استفاده از واژه پرنندگان متفرق، در برابر اصحاب فیل، کم‌کم روشن می‌شود. به نظر می‌رسد خداوند برای اشاره به مسئله انتخاب هوشمندانه استراتژی و شیوه جنگی خود برای مقابله با استراتژی انتخاب شده از جانب کفار و سپاه ابرهه، از واژگان تکآمد «أباییل» و «اصحاب الفیل» استفاده کرده است. به دانش آموز گفته می‌شود، اگر یک لشگر قوی با سپری دفاعی قدرتمند و غیرقابل نفوذ به شما حمله کند و شما بخواهید او را به ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین شکل از پای درآورید و امکان استفاده از همه نوع، ابزار و سلاح داشته باشید (در شرایطی مشابه لشگرکشی ابرهه)، از چه روشی برای مغلوب کردن دشمن استفاده می‌کنید؟

در این بخش لازم است دانش‌آموزان با انواع استراتژی‌های نظامی آشنا شوند؛ یکی از استراتژی‌ها نیز، جنگ‌های پارتیزانی است، که یکی از سودمندترین روش‌ها و کم‌هزینه‌ترین استراتژی‌های نظامی به‌شمار می‌رود، که در چنین شرایطی استفاده می‌شود (کالینز، ۱۳۸۳، ص ۸۱). جنگ پارتیزانی، یا جنگ نامنظم، جنگی است که در مناطق و محدوده حضور دشمنان، به وسیله نیروهای نامنظم و عمدتاً بومی، اجرا می‌شود. جنگ‌های پارتیزانی از نیرنگ، گریز و براندازی، استفاده می‌کند. در جنگ پارتیزانی، ضعف دشمن، مورد توجه قرار می‌گیرد و به نقاط آسیب‌پذیر، حمله می‌شود (بیلیس، ۱۳۸۲، ص ۲۹۲). جهت صحت ادعای خود، معلم می‌بایست، برای دانش‌آموزان، نمونه‌هایی از جنگ‌های نامنظمی که در برخی نقاط جهان یا منطقه خاورمیانه رخ داده و سبب کاهش توان و فرسایش نیروی مهاجم شده است، ذکر کند. اکنون معلم مجدد به سوره فیل، این داستان شیرین و تصویر واضحی که از جنگ بین جنود الهی و جنود کفر، رخ داده است، باز می‌گردد.



عکس ۱- کمک به ترسیم فضای ذهنی دیوار دفاعی در جنگ منظم با استفاده از تصویر

خداوند برای تقابل با سپاه فیل که دارای استراتژی جنگ منظم است، از استراتژی مناسب، یعنی جنگ نامنظم استفاده می‌کند و با استفاده از واژه ابابیل، به این استراتژی اشاره می‌کند. راهبرد یا استراتژی به معنی تعیین اهداف و طرح نمودن برنامه‌ای برای رسیدن به آنها است. به بیان دیگر، راهبرد طرحی است که برای نیل به یک هدف مشخص، طراحی و تبیین می‌گردد (حسینی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۸). در فرایند آموزش اکتشافی اول این پرسش مطرح می‌شود که معنای دقیق این واژگان چیست و چرا در این سوره به کار رفته است؟ بعد تلاش می‌شود ارتباط این واژگان با ساختار سوره که موضوع جنگ است، کشف گردد. سپس مسئله لزوم اتخاذ استراتژی صحیح و مناسب در مواجهه با مشکلات بزرگ به عنوان دستاورد، توسط دانش‌آموز کشف می‌شود. این الگو در همه آیات قرآن به ویژه در داستان‌های قرآن کریم قابل اجرا است.



نمودار ۱- تقابل‌های معنایی واژگان معنا ساز سوره فیل

اهدافی که دانش‌آموز در این قصه و در فرایند آموزش اکتشافی می‌تواند به آنها دست یابد، مختلف است؛ ولی یکی از این اهداف می‌تواند لزوم اتخاذ استراتژی مناسب و برنامه‌ریزی برای حل مشکلات باشد. زیرا خداوند نیز با تمام قدرتش برای تدبیر عالم هستی، در مواجهه با یک سپاه، از استراتژی استفاده می‌کند، که به ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین شکل می‌تواند کید و نیرنگ کفار را نقش بر آب کند. بنابراین، یک انسان مؤمن، برای مواجهه و حل مشکلات بزرگ و کوچک لازم است، برنامه‌ریزی کند. خداوند به مؤمنان یاری می‌رساند، ولی این یاری رساندن هم مثل تمام افعال دیگر خداوند، خردمندانه، عاقلانه و هماهنگ است. در بسیاری موارد، اگر برای مواجهه با دشمن، استراتژی مناسب انتخاب نشود، نمی‌توان توقع پیروزی داشت. این جنگ‌ها ممکن است، جنگ فرهنگی یا اقتصادی باشد. اگر در این جنگ‌ها، استراتژی مناسب انتخاب نشود، نمی‌توان توقع پیروزی داشت. مؤمن باید به تاسی از فعل پروردگار خود، برنامه‌ریزی داشته باشد (علوی، ۱۴۰۰، ص ۴۷-۷۵).

قطعاً پرسش‌های بی‌شمار دیگری که برای دانش‌آموزان جذابیت داشته باشد، می‌توان مطرح کرد. حتی

می‌توان از دانش‌آموزان خواست؛ با توجه به نوع روایات که پرندگان عقاب بوده‌اند و عقاب‌ها در ارتفاع ۳ هزار متری پرواز می‌کنند، قدرت و سرعت حرکت پرتاب شده یک سنگ حدود ۱۰۰ گرم را با محاسبات فیزیکی، به دست آورد؛ تا دانش‌آموزان متوجه سادگی و در عین حال هوشمندانه بودن این حرکت دفاعی و انتخاب استراتژی باشند و در این فرایند آموزشی، نکاتی را به دست آورند که در هیچ تفسیری بیان نشده است. دریافت این معانی می‌تواند به ایشان لذت فهم کلام خداوند و تدبر در آیات قرآن را بپوشاند.

۵. نتیجه‌گیری

یکی از روش‌های آموزشی کارآمد، روش آموزش اکتشافی است. قرآن کریم، در ۱۴۰۰ سال پیش به این روش نظر داشته و با استفاده از ابزار زبان و در شکل‌های مختلف، در ذهن خوانندگان و دانش‌آموزان قرآنی، پرسش ایجاد کرده است. پرسش‌هایی که یافتن پاسخ به آن، افزون بر فرایند تولید علم و دانش تفسیری که تاکنون وجود نداشته، منجر به هدایت شدن و مشارکت دانش‌آموزان در فرایند آموزش و ایجاد احساس مسئولیت برای آنان می‌گردد. سوره فیل، سوره‌ای کوتاه است که در آن به صورت مقطعی، از ماجرای تاریخی حمله ابرهه به مکه، در قالب یک داستان کوتاه نقل می‌شود. در این سوره دو واژه تک‌آمد «أباییل» و «فیل»، دانش‌آموز را به اکتشاف انتخاب استراتژی هوشمندانه در مواجهه با مشکلات بزرگ و حمایت و نصرت الهی در پیروزی و فائق آمدن بر مسائل دشوار، رهنمون می‌گردد. قرآن کریم، بستر آموزش اکتشافی را برای دانش‌آموزان فراهم آورده است؛ لیکن آنچه سبب اجرایی شدن این روش آموزشی می‌گردد، طرح پرسش‌های هدفمند، از آیات و سوره‌ها و مقایسه با بقیه حالات، روش گردآوری اطلاعات و استنتاج منطقی و صحیح است. در پایان نباید فراموش کرد که قصه یکی از ابزار و بسترهای مناسب و سودمند برای ایجاد علاقه برای دانش‌آموزان و انتقال معارف و حکمت‌هاست.

منابع

قرآن کریم

- آذری، علاءالدین (۱۳۵۰). نقش فیل در جنگ‌های ایران باستان. بررسی‌های تاریخی، شماره ۳۱، ص ۱۲۷-۱۴۲.
- ابراهیمی، نامدار (۱۳۹۹). تربیت برای پرسیدن. تهران: نشر نی.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث والأثر*. قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۳.
- ابوهیف، عبدالله (۱۹۹۳). *عن التقاليد والتحریر في القصة العربية*. دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- ایرانی، ناصر (۱۳۶۴). *داستان، تعاریف، ابزارها و عناصر*. تهران: کانون فکری و پرورشی کودکان.
- براهنی، رضا (۱۳۶۸). *قصة نویسی*. تهران: انتشارات البرز.
- بروجدی، محمدابراهیم (۱۳۶۶). *تفسیر جامع*. تهران: انتشارات صدر، ج ۷.
- بقال، عبدالحمین (۱۳۷۰). *أبایلی، شروحه‌ها، هویتها، اشتقاقها. رسالة القرآن*، شماره ۴، ص ۱۱۱-۱۲۹.
- بیلیس، جان (۱۳۸۲). *استراتژی در جهان معاصر*. ترجمه کابک خیبری. تهران: انتشارات تحقیقات بین‌المللی معاصر.
- پروینی، خلیل (۱۳۷۹). *تحلیل ادبی و هنری داستان قرآن کریم*. تهران: فرهنگ گستر.
- پورامیرزاداری، فاطمه؛ بدری گرگری، رحیم؛ واحدی، شهرام (۱۴۰۰). *تأثیر قصه‌گویی دیالکتیکی بر مهارت پرسش‌گری دانش‌آموزان ابتدایی*. پژوهش‌های نوین روانشناختی، شماره ۶۲، ص ۱۷۸-۱۹۱.
- پیترسن، رازمری (۱۳۸۱). *شناخت پیاژه برای والدین، معلمان و دانشجویان*. تهران: سرمدی.
- حسینی، ابوالقاسم (۱۳۸۵). *مبانی هنری قصه‌های قرآن کریم*. قم: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.
- حسینی، بی‌بی‌زینب (۱۳۹۳). *پژوهشی درباره واژگان تک‌کاربرد در قرآن کریم*. قم: بوستان کتاب.
- حسینی، محمد (۱۳۸۲). *ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن*. تهران: نشر ققنوس.
- خادمی، ملوک و همکاران (۱۳۹۴). *بررسی روش قصه‌گویی قرآن به عنوان روش فعال در آموزش اخلاق*. تربیت اسلامی، شماره ۲۰، ص ۵۵-۷۶.
- داد، سیما (۱۳۷۸). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: مروارید.
- زبیدی، محمد (بی‌تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارالهدایة، ج ۳.
- شربیط، احمد (۱۹۹۸). *تطور البنية الفنية في القصة*. دمشق: الجزائرية المعاصرة.
- شولز، رابرت (۱۹۹۸). *عناصر القصة*. دمشق: دارطلاس.
- صادق، محمدعلی (۱۳۶۳). *فی عام میلاد الرسول (ص)*، الطیر الأبیلی. المساجد، ۲(۳-۴)، ص ۳۱۲-۳۱۳.
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۴۰). *یک امتیاز روشن قرآن*. درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۱، ص ۵۱-۵۵.
- صیاح، انطوان (۲۰۱۲). *کلیفیات التعلیم والتعلم*. ریاض: دار النهضة العربية.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان*. تهران: انتشارات ناصرخسرو، ج ۱۰.
- علوی، محمد (۱۴۰۰). *برنامه‌ریزی منابع انسانی از منظر قرآن کریم*. معارف اسلامی و مدیریت، شماره ۱۳، ص ۴۷-۷۵.
- علیزاده، مزده و همکاران (۱۳۹۴). *روش‌های آموزشی از منظر قرآن کریم*. معرفت، شماره ۲۰۹، ص ۷۳-۸۸.
- فضلی‌خانی، منوچهر (۱۳۹۵). *لذت یادگیری*. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- قرون، سید حسن (۱۳۹۲). *الطیر الأبیلی فی کتب القدامی والمعاصرین*. الازهر، شماره ۱۰، ص ۹۳۲-۹۴۱.

- قطب، سید (۱۳۶۰). آفرینش هنری در قصه‌های قرآن. ترجمه محمدمهدی فولادوند. تهران: انتشارات بنیاد قرآن. قندیل، فؤاد (۲۰۰۸م). فن‌کتابه القصه. قاهره: دار المصریة اللبنانیة.
- کاظمی، عبدالحمید (بی‌تا). آبابیل. در: دانشنامه حج و حرمین شریفین، ج ۱، ص ۱۸۷-۱۹۷.
- کالینز، جان ام (۱۳۸۳). استراتژی بزرگ. ترجمه کوروش بایندر. تهران: انتشارات وزارت خاجه.
- کریمی‌نیا، مرتضی (۱۳۹۳). تکامل در قرآن. پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۴۷(۲)، ص ۲۴۷-۴۸۴.
- لارنس، پراین (۱۳۶۳). تأملی دیگر در باب داستان. ترجمه محسن سلیمانی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۷.
- میرصادقی، جمال (۱۳۶۴). قصه، داستان کوتاه، رمان. تهران: انتشارات شفا.
- نجفی‌زاده، مریم (۱۴۰۱). تفکر خلاق و توانایی حل مسئله. دهاقان: کاشف علم.
- وست وود، پیتر (۱۳۹۶). روش‌ها و فنون تدریس. ترجمه کوروش فتحی. تهران: انتشارات علم استادان.
- یوسفی تازه‌کندی، عباس؛ سازجینی، مرتضی؛ پهلوسای، سلیم (۱۳۹۷). گستره روش آموزش اکتشافی انبیاء برای انتقال مفاهیم دینی در عهدین. پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت، شماره ۲، ص ۱۰۷-۱۲۷.

